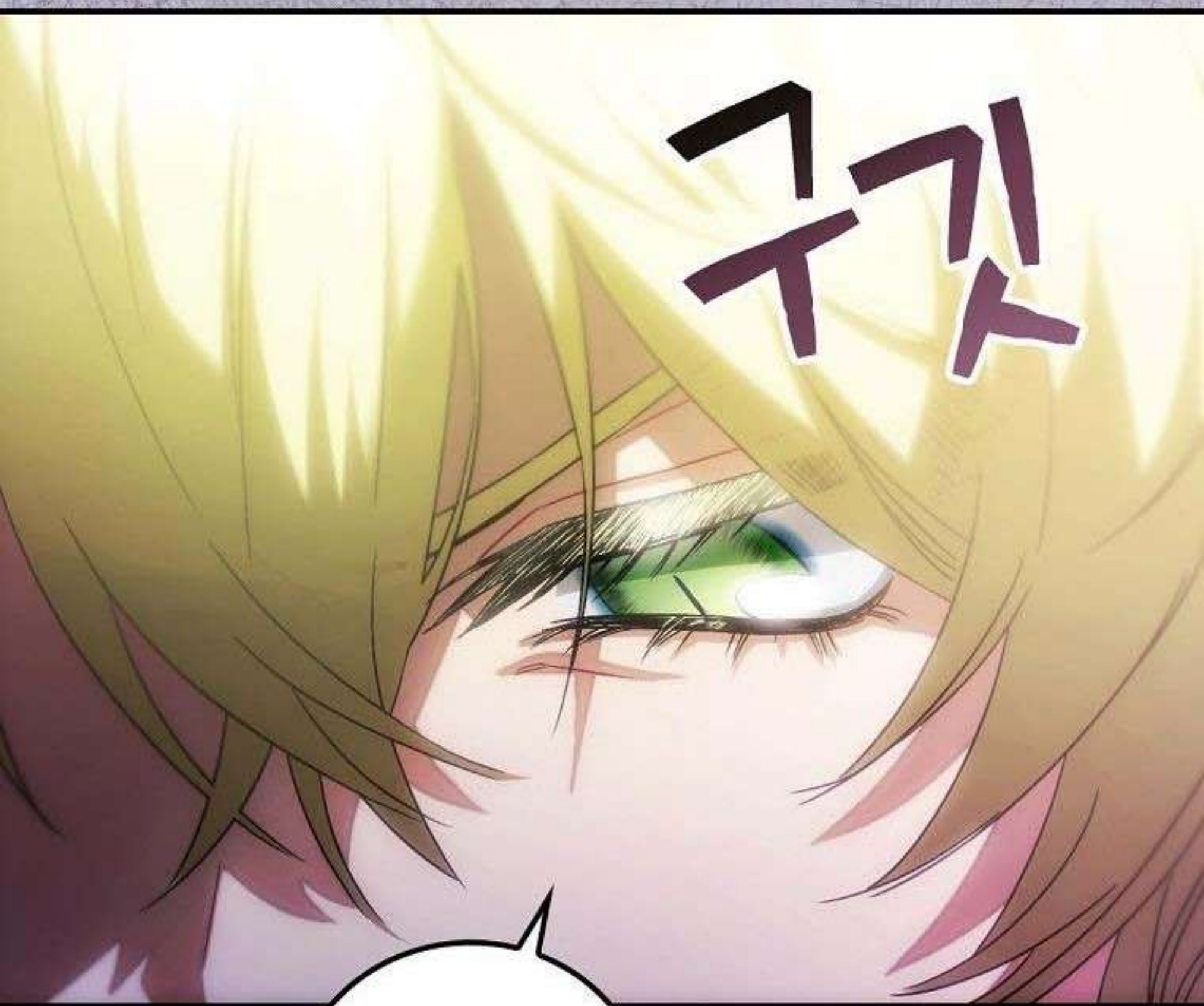




ایں قلوب پہ نیلے

بلک مانشوا





نه...

خانواده دوک
بچه نامشروع رو
قبول میکنن؟

دوک نشین جزشایمن،

جو غم انگیزی داشت



با یه
لیخنر روستانه

با "ما"



جدا کردن "تو"

ریوار سرد شیشه ای

آه

از شایه
مهاجرت کن

소리

نیست

تو نبیید
لنبلشش بدر

소리

소리

کایه

지은



نه

절레

اونجوری هیچوقت
از شرش خلاص نمیشم

نمیتونه یه
دوک بشه



پس شایمن...



فکر نمیکنم سیمون
به من بگه که بچه رو
سقط کنم، درسته؟

서성

اوه حتی از انسانا متفرد و
البته نوزاد هم شاملش میشه





برای اون

هیچ قصدی برای ازیت من و
مجبور کردن من به انجام
کاری رونداره



اما اون گفت نوزادی که
به دنیا میاربی نگاهه



اون برای من یه نعمته



من میخوام از اون در برابر
احساسات منفی مثل نفرت
محافظت کنم



너의하이라가 아니야..

만화 팀 트윅클 X 원작 아롱드리



چرا باهاش
ازدواج نکنم؟

من نیازی ندارم تا
بهش بگم که
مثل یه پدر باشه



این ازدواجه...



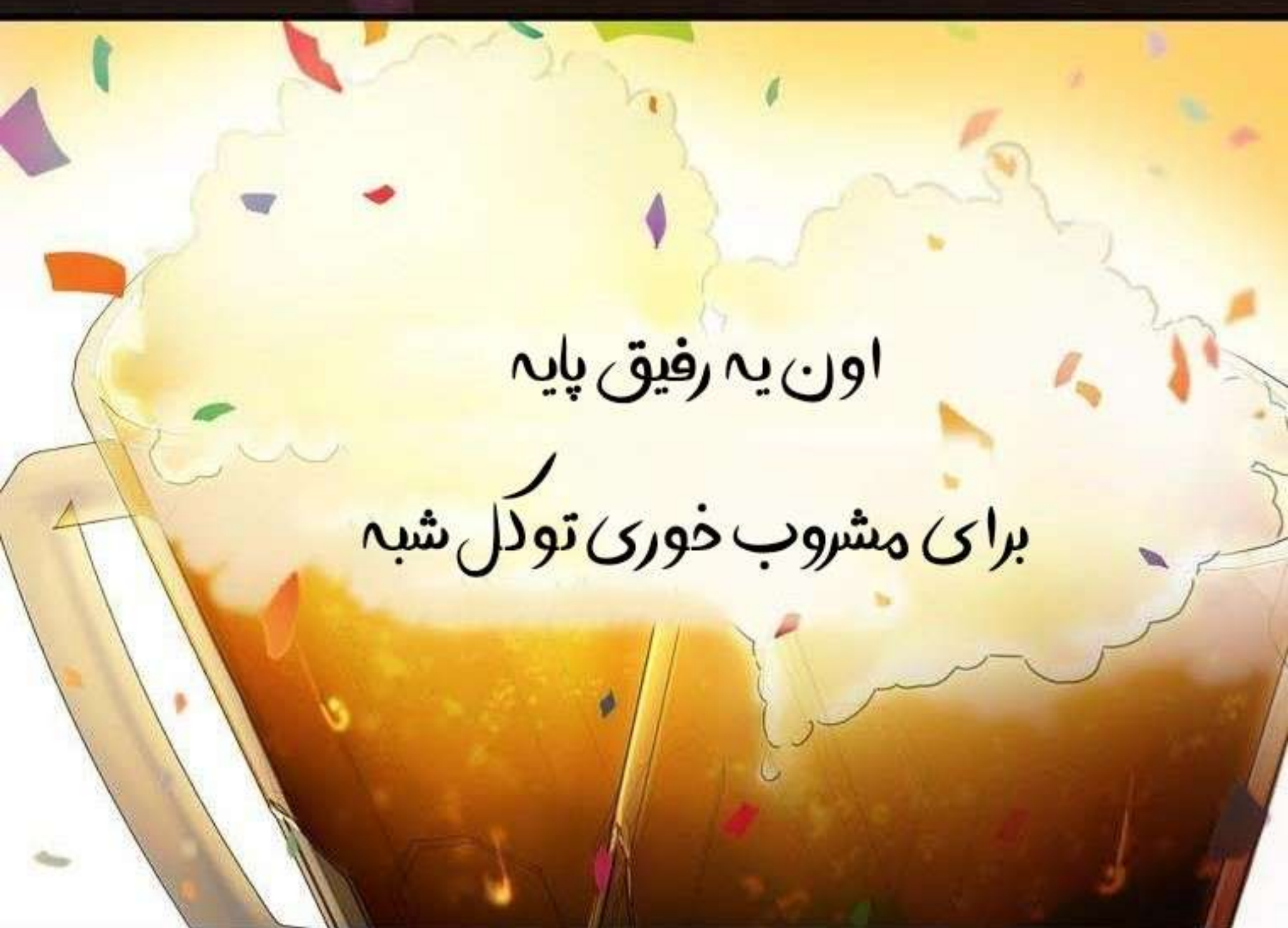


...شایمن و من...؟



من و شایمن توکی جوونی مثل
برادرهای همبرگه بوریم





علاوه بر این، آخرین باری که
همدیگر رو دیدیم

من کم کم دارم ازدواج میکنم
پس باید چیکار کنم؟

درباره برنامه های ازدواج...



حتی..



فکر کنم یه پانویس هست که
من اون رو برای مدت طولانی
توی قلم نگه داشتم



هوم..

همچنین به نظر میرسه
که لازم نیست به
شایمن بگم

واله...



..شایمن بهم گفت که
از شریچه خلاص شم...

حتی اگه اون از گفتنش
ناراحت باشه...

حتی اگه
شایمن هم باشه...



باید از شرش
خلاص بشم؟

اون باهوشه و قدرت های
جادویی استثنایی داره

کشتنش سخته



اگه برای یه مدت طولانی
برنامه بریزم و قدم به قدم
جلو برم...



من دارم درباره کشتن
اون فکر میکنم...!!

نه، نمیتونم
انجامش بدم

절레

절레

اگه راحت بخیال این
قضیه بشم، همه چیز
خیلی پیچیده میشه



همچنین، فقط
یه راه وجود داره؟



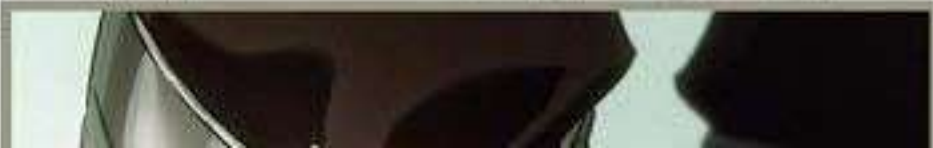
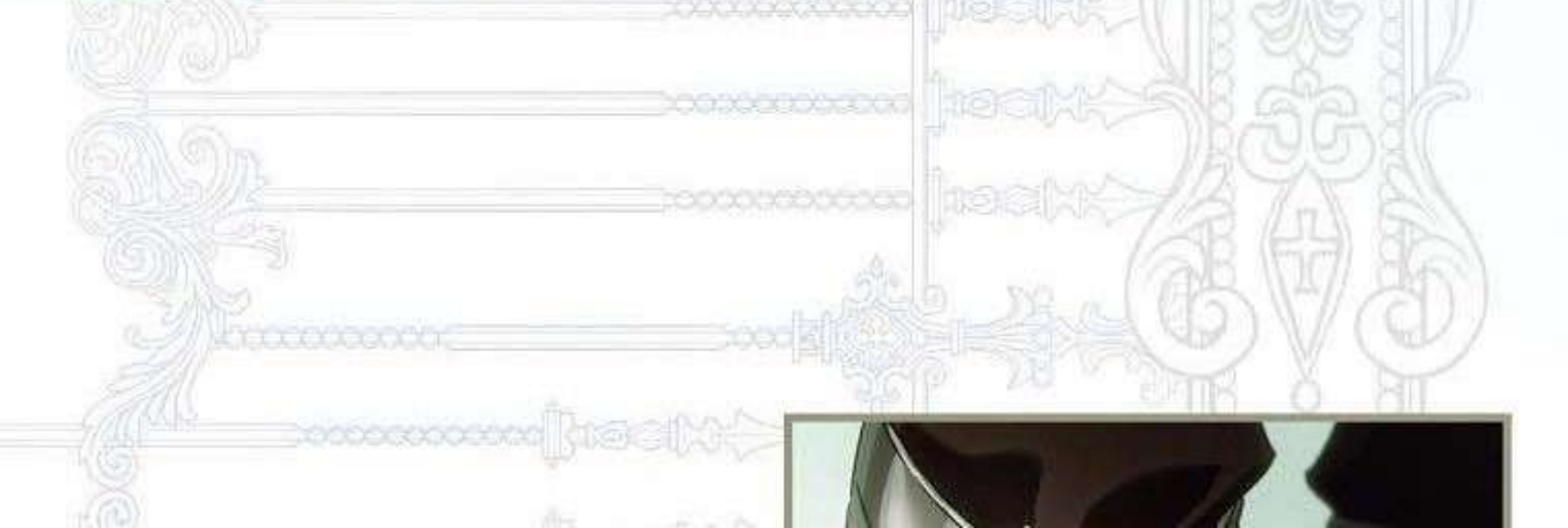
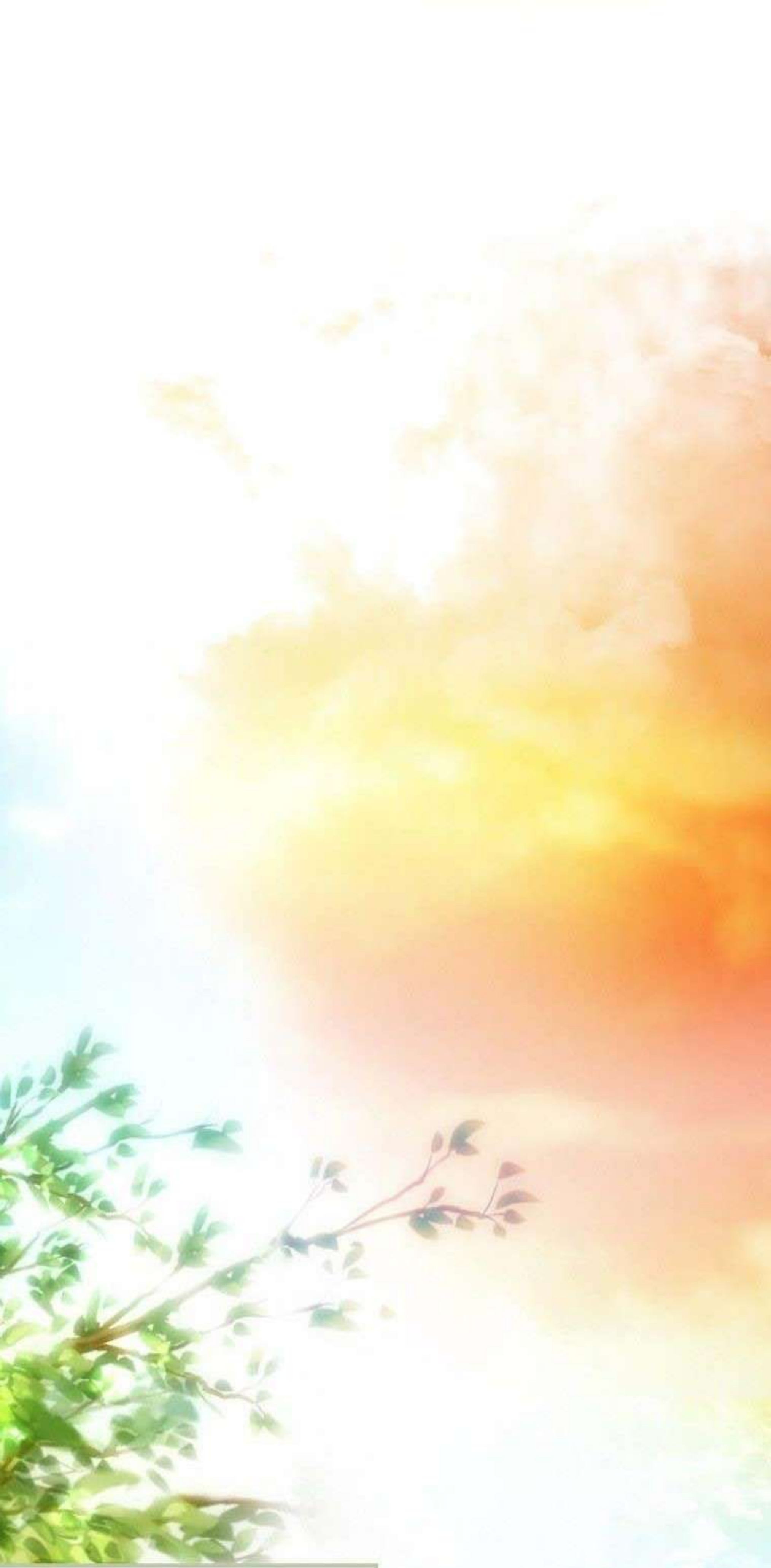


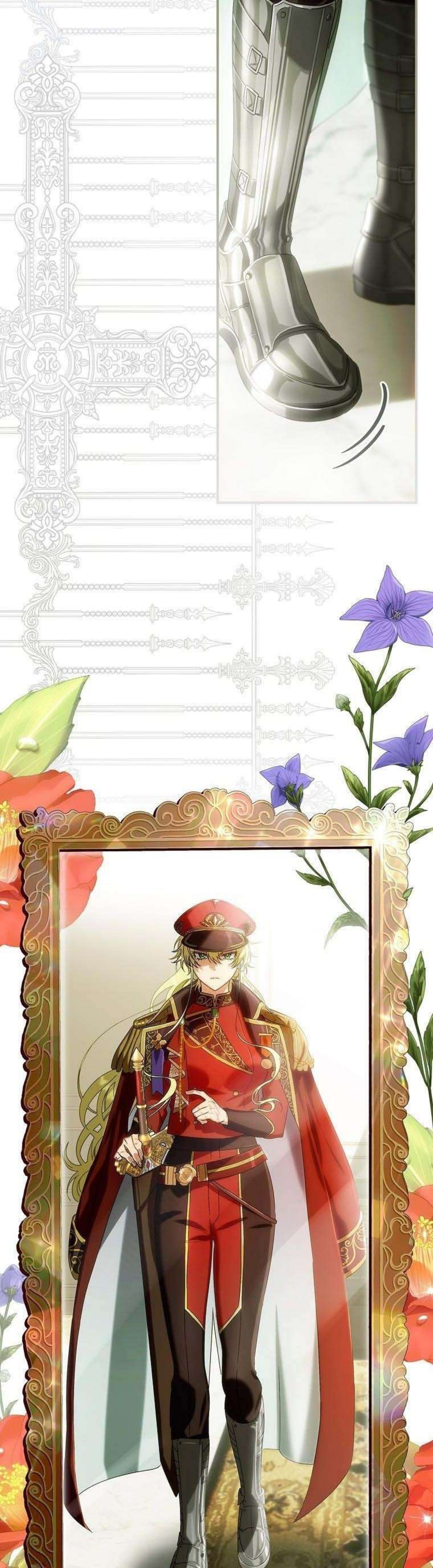
فکر کنم...



وقتشه که
بازنشسته بشم











چرا دکمه های رو الکی
از طلا ساختید؟



گفته میشه که طلا با
خلوص بالا برای ذخیره
کردن جادو مناسبه

으쓱



چند بار گفتم...

هعییییی

کالیا، تو به جای مغزت
هم عضله داری؟

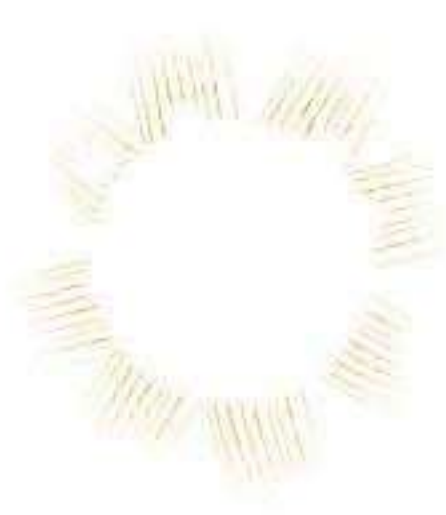
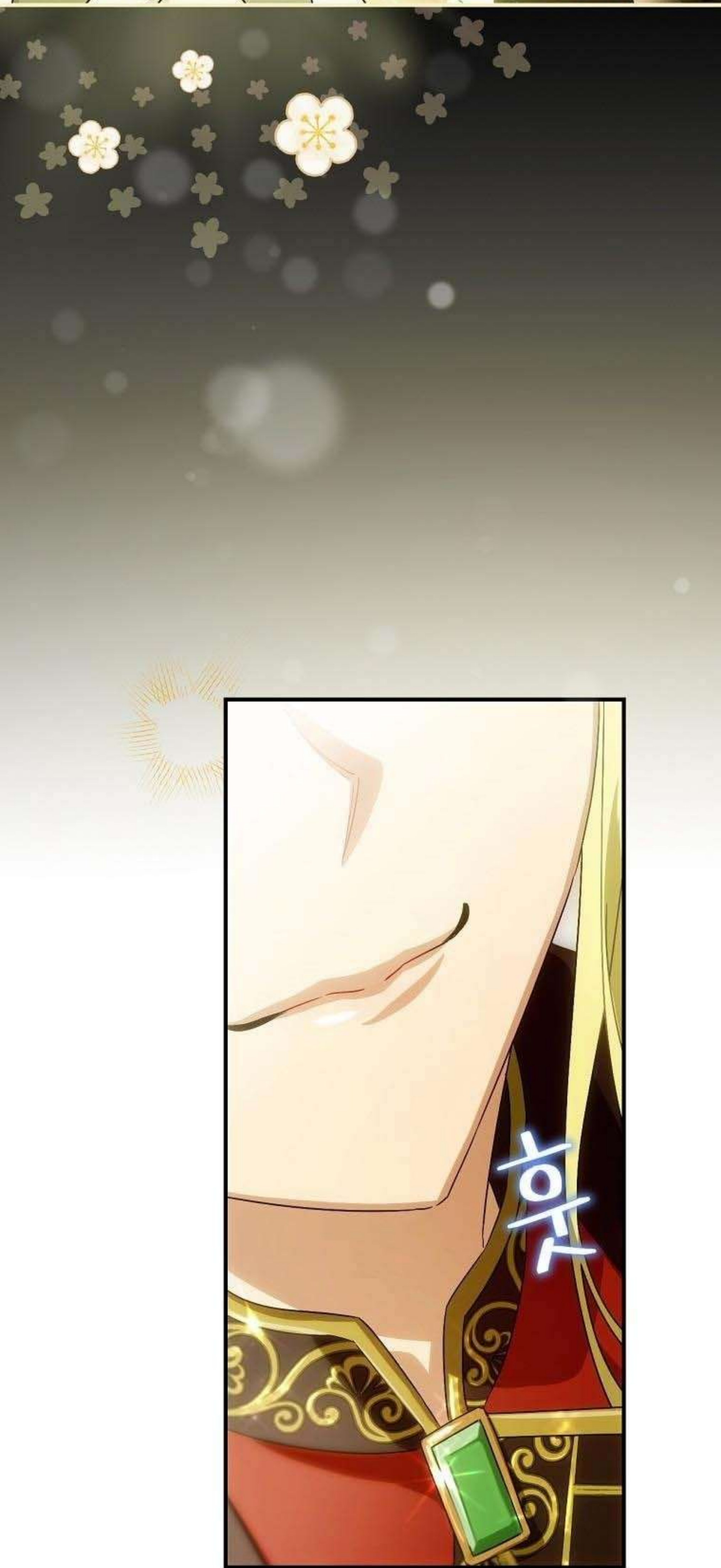


부글

부글

فکر کنم ۳۰ بار
بهت گفتم

چرا یادم نمیاد...





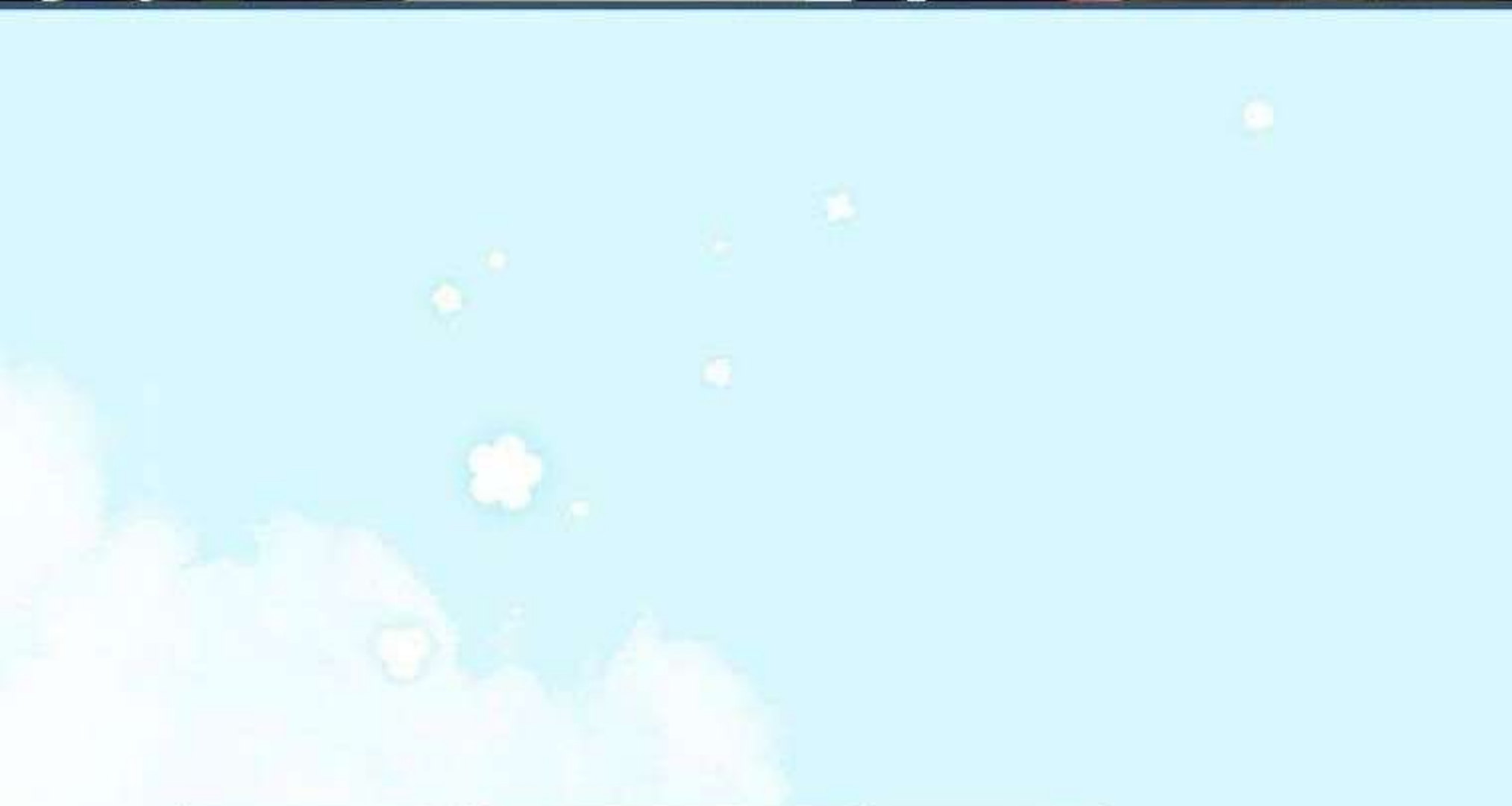
اره... باهام مثل
یه احمق رفتار شد



چطور شب رو با
همچین مردی گذروندم..









آرامش بخشه

A blue sky with white clouds and small white flowers.

اره شاید...

بعد از ۷ سال جنگ...

사랑





همه چیز الان آرامش بخشه





شاید زمان خوبی باشه
برای قهرمان جنگ

تا ناپدید بشه



مختار نجم

Arta

گلینور

Marlon

ادینور

Marlon

بلکہ مانگھو